



نگاهی به نسخه‌های علامرندی، کهن‌ترین نسخه حافظ

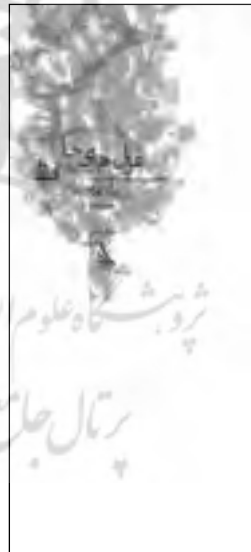
دکتر یوسف عالی عباس‌آباد^۱

دکتر احمدرضا بهرام پورعمران^۲

درآمد

تصحیح انتقادی متون به شیوهٔ امروزی، که در غرب دو سده پیشینه دارد و با شیوه‌های گوناگون محققانی چون کارل لاخمان آلمانی (۱۸۵۰-۱۷۹۳)، که به پیروی از اقدم نسخ معتقد نبوده، و ژوزف بدیهٔ فرانسوی (قرن نوزدهم و بیستم)، که به پیروی از ضبط اقدم نسخ معتقد بوده است، شناخته می‌شود، در ایران نیز پیشینه‌ای قریب به یکصد ساله دارد. پیشاهنگان این نهضت در ایران بزرگانی چون علامه قزوینی، بدیع‌الزمان فروزانفر، مجتبی مینوی، سعید نفیسی و... هستند. خوشبختانه دیوان حافظ از این اقبال برخوردار بوده است که از همان سال‌های آغازین سدهٔ اخیر مورد توجه مصححانی نامدار قرار گیرد. عبدالرحیم خلخالی (دیوان حافظ ۱۳۰۶) و پژمان بختیاری (دیوان حافظ، انتشارات کتابخانهٔ بروخیم ۱۳۱۵) را باید در زمرهٔ نخستین کسانی به شمار آورد که با ارائهٔ چاپ‌هایی نسبتاً قابل قبول از دیوان حافظ، راه را برای دیگران هموار کردند. اما نخستین گام بلند در کار تصحیح دیوان حافظ را علامه قزوینی برداشت. او با همکاری دکتر قاسم غنی، چاپ خلخالی را که بر اساس کهن‌ترین نسخ شناخته‌شده تا آن زمان (۸۲۷ ق)، اما با لغزش‌هایی در نسخه‌خوانی به چاپ رسیده بود، با دقت فراوان و به همراه مقدمه و یادداشت‌هایی فاضلانه، در سال ۱۳۲۰ (چاپخانهٔ مجلس) به چاپ رساند.

از آن هنگام رونقی در امر حافظ‌پژوهی ایجاد شد و به‌خصوص در فاصلهٔ دهه‌های پنجاه تا هشتاد، تلاش‌های فراوانی برای ارائهٔ اصیل‌ترین نسخهٔ دیوان حافظ صورت پذیرفت. اگرچه در این میان شاهد تلاش‌های فراوان، اما غیر روشمند کسی چون مسعود فرزاد (حافظ: صحت کلمات و اصالت غزل‌ها ۱۳۴۹-۱۳۵۵) و ذوق‌ورزی‌های احمد شاملو (حافظ شیراز: به روایت احمد شاملو، انتشارات مروارید ۱۳۵۴) نیز بوده‌ایم، اما اهتمام پرویز ناتل خانلری برای شناسایی و به دست آوردن اصیل‌ترین نسخ دیوان حافظ از سراسر جهان و پیش گرفتن روشی عالمانه برای نشان دادن ضبط‌های گوناگون و دوری جستن از اعمال نظرهای شخصی و تصحیحات قیاسی (به جز موارد نادر که آن موارد نیز با دقت فراوان توضیح داده شده است) بسیار ستودنی است. خانلری نخست در سال ۱۳۳۷ نسخه‌ای مشتمل



* غزل‌های حافظ [نخستین
نسخهٔ یافت‌شده از زمان
حیات شاعر، گردآوری علا
مردی]
* به کوشش علی
فردوسی
* چاپ اول، تهران: نشر
دیباچه ۱۳۸۷

بر ۱۵۲ غزل را که در فاصله سال‌های ۸۱۴-۸۱۳ کتابت شده بود و در موزه بریتانیایی لندن نگهداری می‌شود، منتشر نمود. او بعدها (۱۳۵۹) در تصحیح عالمانه خود چهارده نسخه کامل و ناتمام را اساس کار خویش قرار داد که کهن‌ترین آنها مورخ ۸۰۷ و متأخرترین آنها مورخ به ۸۱۷ (?) - ۸۳۸ است. البته در این میان نباید تلاش‌های کسانی چون رشید عیوضی، انجوی شیرازی، سلیم نیساری، بهاء‌الدین خرمشاهی و... را فراموش کرد. در سال‌های اخیر نیز چند چاپ قابل توجه از دیوان حافظ صورت پذیرفته است: رکن‌الدین همایون فرخ در سال ۱۳۷۱ نسخه‌ای مورخ به سال ۸۰۵ را منتشر کرد؛ هوشنگ ابته‌ج که از میان دو شیوه وفاداری به اقدم نسخ و اعتقاد به تصحیح قیاسی، راه میانه را برگزیده است، حافظ به سعی سایه (نشر کارنامه ۱۳۷۳) را منتشر نمود و همچنین سیدصادق سجادی و علی بهرامیان در سال ۱۳۷۹ نسخه‌ای مورخ به سال ۸۰۳ را منتشر کردند که اتفاقی در حوزه حافظ‌پژوهی به شمار می‌آید.

گفتنی است اگرچه ضبط‌های بسیار گوناگونی از غزل‌های حافظ در اختیار ماست، اما خوشبختانه به خلاف نسخه‌های دیوان مسعود سعد و آثاری چون ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (که خوشبختانه بخش‌هایی از آن در سفینه تبریژ آمده است) و سفرنامه ناصر خسرو، نسخه‌های فراوانی از یکی دو دهه پس از مرگ حافظ در دسترس ماست. تعدد این نسخه‌ها خود حاکی از اقبال فراوان مخاطبان در روزگار شاعر به شعر اوست.

معرفی نسخه:

اگرچه نسخه‌های موجود از دیوان حافظ بسیار به زمان حیات شاعر نزدیک است، اما تاکنون هیچ نسخه‌ای که در زمان زندگی او کتابت شده باشد، شناسایی نشده بود. اتفاق مبارکی است که اکنون نسخه‌ای مشتمل بر پنجاه غزل که در روزگار خود شاعر کتابت شده، در اختیار ماست. آقای علی فردوسی، یابنده و مصحح این نسخه، هنگام مراجعه به نسخه‌های کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد، با بیاضی از شعر شاعران مواجه می‌شود که پنجاه غزل از حافظ نیز در آن کتابت شده است. کاتب نسخه فردی است علاء مرندی نام، احتمالاً از اهالی مرند و مقیم شیراز، که خود طبعی در شعر داشته و اشعاری از خویش را نیز در بیاض آورده است. نسخه به خط نستعلیق نه چندان استادانه، اما خوانا و بی‌غلط کتابت شده است که از دانش و وسواس فراوان کاتب حکایت می‌کند. علاوه بر قید زمان کتابت (محرم ۹۲۷ هجری قمری)، در عنوان غزل‌ها به کزات از حافظ با تعبیری چون: سلمه الله تعالی، ادام الله فضائله، طاب وقته، زیدت معالیه، دام توفیقه، زیدت فضله و... یاد شده که هم بیانگر در قید حیات بودن حافظ است و هم گویای ارج و اعتبار فراوان او نزد اهل زمان.

گفتنی است بیٹی که پس از غزل نخستین آمده و در صدر آن قید شده «و له فرد»، با اندکی تفاوت («اینجا» به جای «آنجا») در غزل ۴۷ نیز آمده است. نکته دیگر آنکه غزل شماره ۳۷ با اندکی تفاوت در شماره بعد تکرار شده و کاتب در عنوان آن واژه

«مکرر» را قید کرده است. این مسئله را نباید از اشتباهات معمول کاتبان در ضبط مکرر قطعاتی از شاعران به شمار آورد؛ زیرا علاء مرندی خود در عنوان غزل دوم به تکراری بودن آن اشاره کرده و ضمناً بلافاصله آن را تکرار کرده است. گفتنی است خانلری نیز در توضیحات نسخه مصحح خود (۱۳۳۷) درباره غزلی با مطلع:

کنون که بر کف گل جام باده صاف است

به صد هزار زبان بلبش در اوصاف است

یادآور شده: «این غزل دو بار، یکی در قسمت حواشی اسکندرنامه و دیگری در قسمت متن کتابت شده است. در قسمت اول، بیت چهارم و در قسمت دوم، بیت سوم را ندارد» (۲۲۰). و جالب است بدانیم که بیت سوم غزل یادشده مضمونی منتقدانه و ستیهنده دارد و چه بسا مصلحت‌اندیشانه حذف شده است:

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد

که می حرام ولی به ز مال اوقاف است

بنا بر این اشارات می‌توان نتیجه گرفت که دخل و تصرف، البته محدود و در پاره‌ای موارد، چه به سبب ذوق دیرپسند شاعر و چه به دست دیگران، از روزگار حیات خود شاعر شروع شده بوده است.

مقایسه ضبط علاء مرندی با دیگر نسخ معتبر:

در پژوهش حاضر نسخه علاء با نسخه‌بدها و متن چاپ خانلری و سلیم نیساری به طور کامل مقابله و وجوه انطباق و اختلاف آنها مشخص شده است.

الف: ضبط‌های منحصر به فرد علاء که در متن هیچ‌یک از چاپ‌های خانلری و نیساری و نسخه‌بدهای آنان دیده نشد. با توجه به قدمت و صحت نسخه علاء، به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد ضبط‌های این نسخه ارجح و قابل تأمل هستند.

۱. زاهد ایمن مشو از بازی غیرت، زنه‌ار

کز ره صومعه تا دیر مغان این همه نیست (غزل ۳، بیت ۶)

در چاپ خانلری «که ره صومعه تا» و در چاپ نیساری «که ره از صومعه تا» آمده است.

۲. بوی یکرنگی از این نقش نمی‌آید، خیز

دلوق آلوده صوفی به می صاف بشوی (غزل ۴، بیت ۲)

در چاپ خانلری و نیساری «به می ناب» آمده است. با توجه به تعلق خاطر حافظ در ایجاد جناس میان «صوفی» و «صاف» در دیگر ابیاتش، ضبط علاء برتری دارد. حافظ «می صاف» را جاهای دیگر نیز به کار برده است؛ از جمله:

من دوستدار روی خوش و موی دلکشم

مدهوش چشم مست و می صاف بیغمم

۳. حافظ ز دیده دانه اشکی همی فشان

بادا که مرغ وصل کند میل دام ما (غزل ۶، بیت ۷)

زبان شعر او همچون شعر عارف و برخی از دیگر شاعرانِ عصر مشروطیت، زبانی آشفته و پریشان است:
با وثوق الدوله بست اول قرار
دید از آن حاصلی نامد به کار

۵. روی بگشای که بلبل به فغان می گوید
خواجه تقصیر مفرما، گل توفیق ببوی (غزل ۴، بیت ۵)
در چاپ خانلری و نیساری «گوش بگشای» آمده است. در این بیت شاعر روی معشوق را به گل تشبیه کرده است. باید توجه داشت که خطاب حافظ به ساقی است که باید پرده از رخ بردارد؛ بنابراین ضبط‌هایی مانند «گوش بگشا»، «گوش بگمار» و... درست به نظر نمی‌رسد.

۶. در گوشه سلامت مستور چون توان بود؟
تا نرگس تو با ما گوید هنوز مستی (غزل ۸، بیت ۴)
خانلری و نیساری به جای «هنوز»، «رموز» آورده‌اند. ضبط علاء اشاره به ازلی - ابدی بودن عشق و مستی دارد که در دیوان حافظ مضمونی مکرر است. ضمناً ضبط علاء به ناگزیری پیروی عاشق از حکم بالمازاع نرگس معشوق اشاره دارد. حافظ در ابیات دیگری نیز به نرگس «عربده‌جوی» و «ترکانه» معشوق اشاره دارد.

۷. به فصل گل شدم از توبه شراب خجل
که کس مباد ز کردار ناصواب خجل (غزل ۱۴، بیت ۱)
در چاپ خانلری و نیساری به جای «به فصل»، «به عهد» آمده است. تعبیر «فصل گل» در ادب فارسی تعبیری رایج است.

۸. تو خو بروی تری ز آفتاب، فضل اله
که نیستم ز تو در روی آفتاب خجل (غزل ۱۴، بیت ۵)
«فضل اله» در چاپ خانلری و نیساری به صورت «شکر خدا»؛ اما در نسخه‌بدل‌های ایشان به صورت «فضل خدا» و «فضل خدای» آمده است.
سنایی می‌گوید:
چون بکشتی تو نفس را در راه
روی بنمود زود فضل اله

۹. به باغ نرگس از آن رو فکند سر در پیش
که شد ز شیوه آن چشم پرعتاب خجل (غزل ۱۴، بیت ۶)
در چاپ خانلری و نیساری «رواست نرگس مست در فکند سر در پیش» آمده است.

۱۰. افشای راز خلوت ما خواست کرد شمع
شکر خدا که سر دلش در دهان گرفت (غزل ۱۷، بیت ۷)



در چاپ خانلری و نیساری به جای «بادا» «باشد» آمده است در شکل فعلِ داعی «بادا» مفهوم التماس و درخواست تضرع‌آمیز عاشق بهتر منعکس می‌شود. ضمناً هجای «دا» در واژه‌های «دانه» و «دام» نیز تکرار شده است که موسیقی بیت را گوشنوازتر می‌کند.

۴. خدا را چون دل ریشم قراری یافت با زلفت
بفرما لعل نوشین را که جانش با قرار آرد (غزل ۷، بیت ۵)
در چاپ خانلری و نیساری به جای «قراری یافت»، «قراری بست» و به جای «جانش»، «حالش» آمده است. گفتنی است فعل «قرار بستن» در شعر فصیح فارسی به کار نرفته است. گویا این فعل بر اساس فعل‌هایی چون «عهد بستن» و «پیمان بستن» جعل شده است. گفتنی است تنها در بیت زیر از چاپ قزوینی این فعل به کار رفته است:

قراری بسته‌ام با می‌فروشان

که روز غم به‌جز ساغر نگیرم (۲۷۳)

در یکی از نسخه‌بدل‌های خانلری نیز مصراع اول این‌گونه ضبط شده است؛ اما در نسخ کهن و متن خانلری بیت مذکور به صورت «قراری کرده‌ام» آمده است. تا آنجا که ما جست‌وجو کرده‌ایم، «قرار بستن» تنها در بیتهایی از میرزاده عشقی به کار رفته که می‌دانیم

به جای «دهان»، در چاپ خانلری و نیساری «زبان» آمده است. با آنکه ضبط نسخهٔ علاء «دهان» است، زیبایی ضبط نسخ متأخر و تناسب آن با اجزای بیت (زبان شمع و زبان گرفتن) را نمی‌توان از نظر دور داشت. نیز یادآوری می‌کنیم که در بیت دیگر همین غزل که در نسخهٔ علاء نیامده است، ولی در اغلب نسخ متأخر وجود دارد، قافیۀ «در دهان» تکرار شده است.

۱۱. من سرگشته هم از اهل سلامت بودم
دام راهم شکن سلسلهٔ موی تو بود (غزل ۱۹، بیت ۵)
در چاپ خانلری و نیساری به جای «سلسلهٔ موی تو» «طرهٔ هندوی تو» آمده است. تکرار واج «س» در ضبط علاء گوشنوازتر است.

۱۲. دوش لعلت عشوه‌ای می‌داد حافظ راه، ولی
من ندانم کز تو این افسانه‌ها باور کنم (غزل ۲۲، بیت ۹)
در متن و کلیهٔ نسخه‌بدل‌های خانلری و نیساری «من نه آنم» آمده است؛ اما از آنجا که یکی از معانی «دانستن» در متون کهن «توانستن» بوده و حافظ نیز در بیت زیر آن را در معنای «توانستن» به کار برده است، ضبط علاء درست می‌نماید:
ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی
ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست
«ندانی دانست» یعنی «توانی بدانی».

۱۳. می‌خور، که شیخ و حافظ و مفتی و متقی
چون نیک بنگری، همه تزویر می‌کنند (غزل ۲۶، بیت ۸)
به جای «متقی» در متن و کلیهٔ نسخه‌بدل‌های خانلری و نیساری «محتسب» آمده است. مصحح محترم نسخهٔ علاء به اشتباه کلمهٔ «متقی» را «مستقی» خوانده است؛ اما باید توجه داشت که کاتب گاهی دندانهٔ حروف را (احتمالاً برای زیبایی) به صورت کشیده کتابت می‌کرده است؛ به عنوان مثال، در همان صفحه از نسخهٔ علاء، دندانهٔ «صاد» کلمهٔ «تقصیر»، دندانهٔ «میم» کلمهٔ «همه»، دندانهٔ «ها» کلمهٔ «هیچ» و نیز حرف «خاء» در واژهٔ «خرید» را بیش از حد کشیده است. همچنین ضبط تشدید روی حرف «ت» نشان می‌دهد که کلمهٔ یادشده «متقی» است. اشتباه دیگر مصحح افزودن «واو» میان واژه‌های «حافظ» و «مفتی» است که در نسخهٔ علاء نیامده است. در هر صورت، ضبط مزبور با توجه به جناس‌گونه‌ای که با واژهٔ «مفتی» می‌سازد، زیبا و قابل تأمل است. با توجه به دیگر واژه‌های بیت (شیخ، حافظ و مفتی) که همگی دارای تقدس ظاهری هستند و به کرات در دیوان حافظ به صورت طنزآمیز از آنان یاد شده، حافظ همهٔ آنان را به ریاورزی و تزویر متهم کرده است.

۱۴. سرود مجلس دوران جام جم این بود
که جام نوش، که دوران جم نخواهد ماند (غزل ۲۷، بیت ۴)
ضبط خانلری این‌گونه است:
سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود
که جام باده بیاور، که جم نخواهد ماند
در نسخه‌بدل‌های خانلری مصراع نخست علاء نیامده است؛ اما مصراع دوم نسخهٔ علاء ضبط‌های دیگری نیز دارد، از جمله: «بیار جام که دوران جم نخواهد ماند» و «بیار جام که جمشید و جم نخواهد ماند». گفتنی است اگرچه تکرار «دوران» در ضبط علاء اندکی از حافظانگی بیت می‌کاهد، اما حافظ به کرات واژهٔ «دوران» را به گونه‌ای ایهام‌آمیز (در معنای «زمانه» و «دور جام شراب») به کار برده است.

۱۵. جنگ هفتاد و دو ملت همه را یکسو نه
چون ندیدند حقیقت، در افسانه زدند (غزل ۳۳، بیت ۵)
در چاپ خانلری و نیساری به جای «یکسو نه»، «عذر بنه» آمده است.

۱۶. قصر عشرت‌گه و ایوان به ملوک ارزانی
ما فقیریم و گدا، دیر مغان ما را بس (غزل ۳۴، بیت ۳)
این بیت در چاپ خانلری و نیساری این‌گونه آمده است:
قصر فردوس به پاداش عمل می‌بخشند
ما که دزدیم و گدا، دیر مغان ما را بس

۱۷. درویش را نباشد نزلی برای سلطان
ماییم و نیم‌دل‌قی کآتش در آن توان زد (غزل ۳۵، بیت ۴)
در چاپ خانلری و نیساری به جای «نزلی برای»، «نزل سرای» و به جای «نیم‌دل‌قی»، «کهنه‌دل‌قی» آمده است. با توجه به اینکه حافظ به ترکیباتی نظیر «نیم‌جو»، «نیم‌نظر»، «نیم‌بوسه» و ... توجه داشته، ضبط علاء قابل تأمل است.

۱۸. صوفی بیا، که آینه صافی‌ست جام را
تا بنگریم صاف می‌لعل‌فام را (غزل ۳۶، بیت ۱)
در چاپ خانلری و نیساری مصراع دوم این‌گونه آمده است: «تا بنگری صفای می‌لعل‌فام را». علاوه بر منحصر‌به‌فرد بودن ضبط علاء، حافظانه بودن آن نیز کاملاً آشکار است.
حافظ در بیت دیگری نیز واژهٔ «صاف» را با کاربرد نحوی و زیباشناختی مشابهی به کار برده است:
مجوی عیش خوش از دور واژگون سپهر
که صاف این سر خم جمله دردی‌آمیز است (چاپ خانلری ۲: ۱۰۰)
صائب به کرات تعبیر «صاف می» را به کار برده است؛ از

جمله:

از باطن صاف می گلرنگ حذر کن
بر سنگ به بازیچه مزین گوهر ...

۱۹. به نوک خامه رقم کرده‌ای سلام مرا

که کارخانه دوران مباد بی‌قلمت (غزل ۲۹، بیت ۲)

در چاپ خانلری و نیساری به جای «قلمت»، «رقمت» آمده است. از آنجا که حافظ در حد امکان از تکرار واژه در سطح بیت پرهیز می‌کند، ضبط علاء قابل تأمل است. گفتنی است در چاپ خانلری و نیساری بیت زیر آمده است:

نگویم از من بیدل به سهو کردی یاد

که در حساب خرد نیست سهو بر قلمت (خانلری ۲: ۱۹۴ و نیساری ۱: ۳۶۷)

۲۰. مرا دلیل مگردان به شکر این معنی

که داشت دولت سرمد عزیز و محترمت (غزل ۳۹، بیت ۵)

در چاپ خانلری و نیساری به جای «معنی»، «توفیق» آمده است.

۲۱. وفا کنیم و نرنجیم اگر جفا بینیم

که در شریعت ما کافری ست رنجیدن (غزل ۴۰، بیت ۴)

در چاپ خانلری و نیساری به جای «نرنجیم اگر جفا بینیم» آمده است: «ملامت کشیم و خوش باشیم».

۲۲. به طرف میکده خواهیم معتکف گشتن

که وعظ بی‌عملان واجب است نشنیدن (غزل ۴۰، بیت ۶)

در چاپ خانلری و نیساری مصراع نخست این گونه آمده است: «عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس».

۲۳. بر در میخانه عشق ای ملک آهسته رو

کاندر اینجا طینت آدم مخمر می‌کنند (غزل ۴۷، بیت ۵)

در چاپ خانلری و نیساری به جای «آهسته رو»، «تسیح گوی» آمده است.

۲۴. وقت صبح از عرش می‌آمد خروشی، ای عجب

قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند (غزل ۲۷، بیت ۶)

در چاپ خانلری و نیساری مصراع نخست این گونه آمده است: «وقت صبح از عرش می‌آمد خروشی، عقل گفت».

ب: مواردی که ضبط علاء با متن چاپ خانلری و نیساری متفاوت است، اما با برخی از نسخه‌بدل‌های این دو چاپ مطابق است و با توجه به قدمت و صحت ضبط علاء بر آنها برتری دارد.

۱. نام حافظ رقم ننگ پذیرفت، ولی

پیش رندان خطر سود و زیان این همه نیست (غزل ۳، بیت ۸)

در متن چاپ خانلری و نیساری آمده است:

نام حافظ رقم نیک پذیرفت، ولی

پیش رندان رقم سود و زیان این همه نیست

علاوه بر علاقه حافظ به کاربرد هم‌زمان نام و ننگ در سطح یک مصراع یا بیت، او به سبب سلوک رندانه و لابلایگرانه، از پذیرش نام ننگ‌آلود خویش ابایی ندارد. ضبط خانلری و نیساری با مضمون ملامتی بیت همخوانی ندارد. گفتنی است دو نسخه‌بدل خانلری و پنج نسخه‌بدل نیساری با ضبط علاء مطابق است.

۲. ما بخت خویش و خوی تو را آزموده‌ایم

با دشمنان قح کس و با ما عتاب کن (غزل ۵، بیت ۳)

مصراع نخست در متن خانلری و نیساری این گونه است: «ز آنجا که رسم و عادت عاشق کشتی‌توست». علاوه بر کاربرد مکرر گروه فعلی «بخت خویش را آزمودن» در دیگر ابیات حافظ، لف و نشر مرتب میان اجزای دو مصراع برقرار است. ضمناً سه نسخه‌بدل خانلری و نه نسخه‌بدل چاپ نیساری با چاپ علاء مطابق است.

۳. ساقی، به نور باده برافروز جام

تا دور روز گار بگردد به کام ما (غزل ۶، بیت ۱)

مصراع دوم در متن چاپ خانلری و نیساری این گونه آمده است: «مطرب، بگو که کار جهان شد به کام ما» چنان که پیش‌تر آمد، حافظ به کاربرد ایهام‌آمیز «دور» و «دوران» علاقه‌مند است. با این حال، زیبایی چاپ خانلری و نیساری را نمی‌توان نادیده گرفت.

۴. گو نام ما ز یاد به عمدا چه می‌بری

خود آید آنکه یاد نیاری ز نام ما (غزل ۶، بیت ۶)

مصراع دوم در متن چاپ خانلری و نیساری این گونه است: «خود آید آنکه یاد نباشد ز نام ما».

علاوه بر سیاق کلام که روشن است ضبط علاء ضبط درست‌تری است، واج «ی» در «نیاری»، سه بار در سطح بیت تکرار شده است. این ضبط در هفت نسخه‌بدل خانلری آمده است و عجیب آنکه نیساری با وجود در دست داشتن تمامی نسخه‌های خانلری، هیچ اشاره‌ای به این ضبط نکرده است.

۵. عماری‌دار لیلی را که مهد ماه در حکم است

خدا را در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد (غزل ۷، بیت ۳)

به جای «خدا را»، در متن چاپ خانلری و نیساری «خدایا» آمده است. سه نسخه‌بدل خانلری و چهار نسخه‌بدل نیساری با ضبط علاء برابر است. ضبط علاء با کاربرد مکرر تعبیر «خدا را»

در دیوان حافظاً مطابقت دارد؛ در این صورت، واج «راء» نه بار در سطح بیت تکرار شده است. ضمناً در بیت ششم همین غزل نیز این تعبیر به کار رفته است.

ع با مدعی بگویند اسرار عشق و مستی
تا بی‌خبر نمیرد در درد خودپرستی

در متن چاپ خانلری و نیساری بیت این‌گونه آمده است:

با مدعی مگویند اسرار عشق و مستی
تا بی‌خبر بمیرد در درد خودپرستی

ضبط علاء در سه نسخه بدل نیساری نیز آمده است. اگرچه ضبط نسخه علاء از موسیقی و زیبایی انتخاب خانلری بی‌بهره است، اما نوعی ترخّم رندانه در ضبط علاء نهفته است، که در کنار قدمت آن، ضبط او را تأمل‌برانگیز می‌کند.

۷. در نظریاتی من بی‌خبران حیرانند

من چنینم که نمودم، دگر ایشان دانند (غزل ۹، بیت ۱)

در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «من» در مصراع اول «ما» آمده است. همچنین در انتخاب‌های خانلری و نیساری به جای «بی‌خبران»، «بی‌بصران» آمده است که ضبط علاء بر آن برتری دارد. با در نظر گرفتن ارتباط میان «نظر» و «بصر» و نیز «حیران» بودن که نتیجه دیدن است، ضبط علاء ارجح است. یادآوری می‌کنیم سه نسخه بدل خانلری و چهارده نسخه مورد استفاده نیساری ضبط علاء را تأیید می‌کند.

۸. گر به زهتگه ارواح برد بوی تو باد

ملک و حور دل و جان به نثار افشانند (غزل ۹، بیت ۶)

اگرچه از لحاظ منطقی «ملک و حور» چندان ترجیحی بر ضبط «عقل و جان» در چاپ خانلری و نیساری ندارد، اما جناس‌گونه‌ای که میان «حور» و «ارواح» برقرار است، قابل تأمل است. پنج نسخه بدل نیساری نیز با ضبط علاء برابر است.

۹. عافیت چشم مدار از من میخانه نشین

که دم از صحبت رندان زدهام تا هستم (غزل ۱۰، بیت ۱۰)

در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «صحبت»، «خدمت» آمده است. صحبت با «دم» که از ملازمت سخن گفتن است، تناسب دارد؛ همچنین است «نشین» در «میخانه نشین» که با صحبت در معنای نشست و برخاست کردن، تناسب دارد. دو نسخه بدل خانلری و چهارده نسخه بدل نیساری با ضبط علاء مطابق است.

۱۰. سرم خوش است و به بانگ بلند می‌گویم

که من نسیم حیات از پیاله می‌جویم (غزل ۱۳، بیت ۱)

در متن چاپ نیساری به جای «می‌جویم»، «می‌بویم» آمده است؛ حال آنکه سی نسخه بدل چاپ او با ضبط علاء برابر است.

۱۱. عبوس زهد به وجه خمار نشیند

میرد خرقة دردی کشان خوشخویم (غزل ۱۳، بیت ۲)

تردید میان اصالت «نشیند» یا «بنشیند» در این بیت، همچنان از مباحث گرم حافظ‌پژوهی است. نیساری با آنکه ضبط‌های مشکوکی در اختیار داشته، بر اساس مضمون بیت، به درستی «نشیند» را برگزیده است. خانلری بدون پشتوانه علمی «بنشیند» را در متن چاپ خود آورده و در توضیح این انتخاب خود اشاره کرده: «همه نسخه‌ها: نشیند [بنشیند] در این بیت، تصحیح قیاسی است به جای «نشیند».

۱۲. مکن در این چمن سرزنش به خودروی

چنان که پرورش می‌کنند، می‌رویم (غزل ۱۳، بیت ۴)

در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «می‌کنند»، «می‌دهند» آمده است. اگرچه واژه «پرورش» تنها یک بار در سراسر دیوان حافظاً به کار رفته، اما ترکیب فعلی «پرورش کردن» در متون کهن کاربرد رایج است و با تکرار واج «ک» در سطح بیت نیز همخوانی دارد. سه نسخه بدل خانلری و شش نسخه بدل نیساری ضبط علاء را تأیید می‌کند.

۱۳. به باغ نرگس از آن رو فکند سر در پیش

که شد ز شیوه آن چشم پرعتاب خجل (غزل ۱۴، بیت ۵)

مصراع نخست در متن چاپ خانلری و نیساری این‌گونه آمده است: «رواست نرگس مست ار فکند سر در پیش».

۱۴. میدان حقیر گدایان عشق را، کاین قوم

شهان بی‌کمر و خسروان بی‌کلهند (غزل ۲۰، بیت ۳)

با توجه به تکرار هجاهای «یان»، «هان» و «وان» و همچنین تکرار هجای «دا» در واژه‌های «مدان» و «گدایان»، از لحاظ موسیقایی نیز ضبط علاء برتری دارد. «مدان» در متن چاپ خانلری و سه نسخه بدل نیساری نیز آمده است.

۱۵. خرقة پوشان دگر مست گذشتند و گذشت

قصه ماست که بر هر سر بازار بماند

در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «بر» در مصراع دوم «در» آمده است. تعبیر «بر سر بازار» در شعر فارسی تعبیری بسیار رایج است. ضمناً ضبط علاء با واج «ب» در سطح بیت سازگارتر است. همچنین است واج‌های «پ» و «م» در دیگر واژه‌های بیت که واجگاهی نزدیک با واج «ب» دارند. دو نسخه بدل خانلری و دوازده نسخه بدل نیساری با ضبط علاء مطابق است.

۱۶. این یک دو دم که دولت دیدار ممکن است

فرصت شمار، هان، که نه پیداست کار عمر (غزل ۲۴، بیت

(۴)

در متن چاپ خانلری به جای «دولت دیدار»، «وعدۀ دیدار» و در متن چاپ نیساری «مهلت دیدار» آمده است. هم خانلری و هم نیساری به جای «فرصت شمار، هان»، «دریاب کار ما» را برگزیده‌اند. گفتنی است یک نسخه‌بدل خانلری و شش نسخه‌بدل نیساری ضبط علاء را تأیید می‌کند.

۱۷. دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند؟

پنهان خورید باده، که تکفیر می‌کنند (غزل ۲۶، بیت ۱)
تردید میان اصالت ضبط «تکفیر» یا «تعزیر» در مصراع دوم این بیت، از مباحث ناتمام حافظ‌پژوهی است. طرفداران ضبط «تکفیر» معتقدند شراب خوردن مشمول حکم حد زدن می‌شود، نه تعزیر، و طرفداران ضبط «تعزیر» می‌گویند نوشیدن شراب موجب کافر شدن نمی‌شود. خانلری و نیساری با در دست داشتن نسخه‌بدل‌های مکرر، «تکفیر» را ترجیح داده‌اند که ضبط نسخه علاء را تأیید می‌کند. علامه قزوینی با انتخاب ضبط «تعزیر» در توضیح علت انتخاب خود یادآور شده است: «چنین هست در «خ»، «ق» و شرح سودی بر حافظ، سایر نسخ: تکفیر» (۲۰۱). که می‌دانیم استناد به ضبط سودی چندان اصلاتی ندارد.

۱۸. دوش از این غصه نخفتم که فقیهی می‌گفت

حافظ ار باده خورد، جای شکایت باشد (غزل ۲۸، بیت ۷)
در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «فقیهی»، «حکیمی» و به جای «باده خورد»، «مست بود» آمده است. سه نسخه‌بدل خانلری و هفت نسخه‌بدل نیساری ضبط علاء را تأیید می‌کند. همچنین واج‌آرایی «ف» در سطح بیت ضبط علاء قابل تأمل است.

۱۹. گلعلزاری ز گلستان جهان ما را بس

زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس (غزل ۳۴، بیت ۱)
در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «روان»، «چمن» آمده است. شش نسخه‌بدل خانلری و بیست و شش نسخه‌بدل نیساری با ضبط علاء برابر است.

۲۰. حافظ به حق قرآن کز شیدو زرق باز آی

باشد که گوی عشقی در این میان توان زد (غزل ۳۵، بیت ۷)
در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «عشقی»، «عیشی» آمده است. دو نسخه‌بدل خانلری و شش نسخه‌بدل نیساری ضبط علاء را تأیید می‌کند. ضمناً تعبیر «گوی عشق» در ادبیات فارسی تعبیری رایج است.

۲۱. در بزم دور یک دو قدح درکش و برو

یعنی طمع مدار وصال مدام را (غزل ۳۶، بیت ۳)

در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «مدام»، «دوام» آمده است. با توجه به اجزای بیت و معنای ایهام‌آمیز واژه «مدام»، که از ایهام‌های مورد علاقه حافظ است، نیز تکرار واج «م» در سطح بیت، ضبط علاء بر دیگر ضبط‌ها برتری دارد. چهار نسخه‌بدل نیساری با ضبط علاء برابر است.

۲۲. چشمت به غمزه خانه مردم سیاه کرد

مستوری‌ات مباد، که خوش مست می‌روی (غزل ۳۷، بیت ۶)
در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «سیاه»، «خراب» و به جای «مستوری‌ات» «مخموری‌ات» آمده است. با توجه به سیاق کلام و ایهام تناسبی که میان «چشم» و «سیاه» و «مردم» (انسان العین) وجود دارد و نیز جناس میان «مستوری» و «مستی»، ضبط علاء ارجح است. چهار نسخه‌بدل خانلری و بیست و پنج نسخه‌بدل نیساری با ضبط علاء منطبق است. گفتنی است واژه سیاه بیست و سه بار در دیوان حافظ تکرار شده و او تعبیر «سیاهکار» را نیز در بیتی به کار برده است.

۲۳. به می‌پرستی از آن نقش خود بر آب زدم

که تا خراب کنم رنگ خود پرستیدن (غزل ۴۰، بیت ۲)
در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «رنگ»، «نقش» آمده است. تکرار «نقش» در مصراع دوم از زیبایی کلام حافظ می‌کاهد. سه نسخه‌بدل خانلری و سیزده نسخه‌بدل نیساری با ضبط علاء مطابق است.

۲۴. به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات

بداد جام می و گفت راز پوشیدن
در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «بداد»، «بخواست» آمده است. معمولاً این پیر میکده است که جام می‌دهد؛ چنان‌که جای دیگر گوید «پیر میخانه سحر جام جهان بینم داد» (خانلری ۱: ۳۵۳). یکی از نسخه‌بدل‌های نیساری با ضبط علاء مطابق است.

۲۵. تو نیز باده به دست آر و راه بستان گیر

چو مرغ نغمه‌سرا ساز خوشنوا آورد (غزل ۴۱، بیت ۳)
در متن چاپ خانلری و نیساری به جای «به دست آر»، «به چنگ آر» و به جای «بستان»، «صحرا» آمده است. در چهار نسخه‌بدل نیساری «به دست آر» آمده و نیز در سه نسخه‌بدل خانلری و نه نسخه‌بدل نیساری «بستان» آمده است که مطابق با ضبط علاء است.

۲۶. زاهدان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به خلوت می‌روند، آن کار دیگر می‌کنند (غزل ۴۷، بیت ۱)

در متن چاپ خانلری به جای «راهدان»، «واعظان» آمده است. دو نسخه بدل خانلری و هشت نسخه بدل نیسانی، با ضبط علاء مطابق است.

۲۷. گفتیم ز عشقبازان رسم وفا بیاموز
گفتا ز خوبرویان این کار کمتر آید (غزل ۴۸، بیت ۲)
در متن چاپ خانلری و نیسانی به جای «عشقبازان»، «مهرورزان» و به جای «خوبرویان»، «ماهرویان» آمده است. یک نسخه بدل خانلری و دو نسخه بدل نیسانی مطابق نسخه علاء است.

۲۸. به بارگاه تو چون باد را نباشد بار
کی اتفاق مجال سلام ما افتد؟ (غزل ۵۰، بیت ۴)
در متن چاپ خانلری و نیسانی مصراع اول این گونه آمده است: «هلوک را چو ره خاکبوس این در نیست». چهار نسخه بدل خانلری و یازده نسخه بدل نیسانی با ضبط علاء مطابق است.

ج: لغزش‌ها و بدخوانی‌های مصحح:
با آنکه مصحح تلاش کرده است متنی پاکیزه را در اختیار مخاطبان قرار دهد و مقدمه‌های عالمانه نیز نگاشته است، اما گاهی کاستی‌ها و بدخوانی‌هایی به متن راه یافته است، که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:
۱. در غزل ۱۴، بیت ۴، در اصل نسخه آمده است «سراچه دل»؛ اما در متن آمده است: «سراچه دل».
۲. در غزل ۲۷، بیت ۷، در نسخه علاء آمده «بر این رواق» اما در متن «بدین رواق» آمده است.
۳. در غزل ۲۸، بیت ۲، در نسخه علاء «دف و نی»، اما در متن «دف و می» آمده است.
۴. همان گونه که در بخش ضبط‌های منحصربه‌فرد اشاره شد، در غزل ۲۶، بیت ۸، در نسخه آمده «متقی» که «مستقی» خوانده شده است.
۵. گاهی مصحح محترم میان جملات و واژه‌ها، به تبعیت از خوانش مشهور و با عنایت به متن نسخه خانلری، در قلاب «او» افزوده‌اند؛ حال آنکه با در نظر گرفتن قدمت و صحت نسخه علاء و نیز پشتوانه نسخه‌های متعدد چاپ خانلری و نیسانی، در اصل واوی وجود نداشته است؛ از آن جمله‌اند: غزل ۳، بیت ۵، غزل ۲۱، بیت ۴، غزل ۲۳، بیت ۶ و ...

نتیجه گیری:

۱. شواهد و قراین نشان می‌دهد نسخه علاء علاوه بر قدمت، از صحت و اعتباری فراوان برخوردار است. این صحت و اعتبار با توجه به دقت و وسواس علاء دوچندان شده است. گفتنی است در سراسر این نسخه کوچک‌ترین لغزشی از جانب کاتب صورت نپذیرفته است و کسانی که با نسخ متون سروکار دارند، می‌دانند

که این مسأله به ندرت اتفاق می‌افتد.
۲. با مقایسه چاپ‌های مختلف دیوان حافظ با ضبط‌های نسخه علاء، می‌توان نتیجه گرفت:

الف: در زمان خود حافظ روایت‌های مختلفی، به سبب دخل و تصرف‌های مکرر شاعر یا دیگران، از شعر او وجود داشته است. تکرار یک غزل با دو روایت مختلف این موضوع را ثابت می‌کند. ب: برخی گمان می‌کنند غزل‌های حافظ بر اثر دستبردهای مکرر کاتبان و مصححان در طول زمان، مغشوش و مغلوپ شده است، اما نسخه علاء خلاف این را ثابت می‌کند. تنها پراکندگی در توالی و گاهی تعداد ابیات موجب وجود روایت‌های مختلفی از شعر او گردیده است.

۳. در پایان یادآور می‌شویم با توجه به قدمت و اصالت نسخه علاء، می‌توان اعتبار یا بی‌اعتباری ضبط‌های دیگر نسخ را نیز معین کرد؛ برای مثال، نسخه علاء ثابت می‌کند نسخه «ط» خانلری که در چاپ نیسانی با علامت اختصاری «طو» مشخص شده و در سال ۸۲۲ کتابت گردیده، نسخه اصیلی است، یا دست کم در قیاس با دیگر نسخی که در پژوهش حاضر با نسخه علاء مقابله شدند، از اهمیت و اصالت بیشتری برخوردار است.

پی‌نوشت

* تاریخ وصول: ۸۷/۱۱/۲۰

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.
۲. پژوهشگر.

کتابنامه

- حافظ شیرازی، ۱۳۶۲، دیوان حافظ. تصحیح پرویز ناتل خانلری. تهران: خوارزمی.
- _____، ۱۳۱۵، دیوان خواجه شمس‌الدین محمد. به اهتمام حسین پژمان. تهران: کتابخانه بروخیم.
- _____، ۱۳۲۰، دیوان خواجه شمس‌الدین محمد. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: چاپخانه مجلس.
- _____، ۱۳۷۷، [حافظ به سعی سایه]. به اهتمام هوشنگ ابتهاج. تهران: نشر کارنامه.
- _____، ۱۳۶۰، حافظ شیراز [به روایت احمد شاملو]. به اهتمام احمد شاملو. تهران: مروارید.
- _____، ۱۳۸۷، غزل‌های حافظ [نخستین نسخه یافت‌شده از زمان حیات شاعر، گردآوری علاء مرندی]. به کوشش علی فردوسی. تهران: نشر دیبایه.
- صدیقیان، میهن‌دخت (با همکاری ابوطالب میرعابدینی)، ۱۳۶۶، فرهنگ واژه‌های حافظ. تهران: امیرکبیر.
- نیسانی، سلیم، ۱۳۸۵، دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار). ۲ ج.